

گفت از بنی اسرائیل قومی سوی کورستان پیرون شدند و گفتند غار  
و دعا کنیم تا از تو تعالی این مردگان یکی زنده گردانند ما را خبر کند از مرد  
انکه غار و دعا کردند از تو تعالی مرده را زنده کرد این دو سر از کورستان گفت  
که ای مردان چه خواهد بود از من که نود سال است یا سیصد سال است  
که من مردام نه روز تهنی جان کنان از من زایل نشده است اکنون دعا کنید  
تا از تو تعالی مرا همینان گردانند که بوم پس از تو تعالی او را هم چنان گردانند  
حسن بصری رحمه الله علیه روایت میکنند از پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
که او گفت سیخنی جان کنان بر من جان باشد که کسی را سیصد بار  
بشنود نرسد پس کسی که دانسته باشد که در او امرک و پیش است و  
باشد بروی تا کار مرک بسیار و بجاری نیک کردن مشغول شود  
و از کارهای بد دور باشد که نداند که مرک است در رسد و یک مرد روز تمام  
نفس برسد که مر او حجت کنی عام گفت تبرکس از صدای و تبرکس  
از افغان در پیش ملک الموت علیه السلام و انکه خوششان تو  
مترافیاد نتوانند رسید روی زاهد را گفت که مرانندی ده زاهدان  
که مرک در میان شاست و شمار همین نبردی پس است و روایت

کنند از

کنند از پیغمبر صلی الله علیه و سلم که یکی را پندید او گفت عنایت کن بر جزای  
پس از پنج جز اول جوان پس از بری دوم تنه سنی پس از چهارم  
سوم توانگری پس از در توشی چهارم فارغی پس از مشغولی و زنده گانی پس از  
مرگ اندرین پنج جز که پیغمبر صلی الله علیه و سلم بسیار است اما عنایت  
کردن جوانی پس از بری از هر آنکه مردم در حال جوانی بسیار کارهای خیرات  
و طاعات توانند کرد که اندر بری توانند کرد چون در حال جوانی معصیت  
عامه است کرده باشد در حال پیری از آن باز نتواند ایستاد در حال جوانی  
باید که طاعت کند تا عادت شود در حال پیری بر او آسان شود و باشد  
اما عنایت گرفتن تنه سنی پس از چهارمی انکه زیرا که کسی تنه سنی باشد  
فرمان او روان باشد در مال و تن هر چه خواهد کند از کارهای خیر و باز چون  
بیمار شود ضعیف شود و از طاعت بازماند و فرمان او روان نباشد  
در مقدار سبک از مال اما عنایت گرفتن توانگری پس از پنجمی معنی آن  
که چون مرگند سدی بدیخ از تو تعالی زیاد داده است از قوت انرا  
عنایت دلری و طبع صدق در آن جزئی کرد دست خود در میان است که طبع  
کننده تحقیق در پیش است اگر چه او را مال بسیار است اما عنایت گرفتن